

بررسی عوامل تأثیرگذار بر تأخیر انتشار صورت های مالی سالانه حسابرسی شده شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

حسین رضایی دولت آبادی*

حسن حیدری سلطان آبادی**

حمیدرضا بوستانی***

صادق کریمی سیمکانی****

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۳

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۲

چکیده:

این پژوهش به بررسی عواملی که باعث تأخیر در انتشار صورتهای مالی سالانه حسابرسی شده در شرکت ها می شود، می پردازد. به طور کلی این عوامل به دو دسته عوامل مربوط به ویژگی های شرکت گزارشگر و عوامل مربوط به حسابرسی تقسیم می شوند. بدین منظور تعداد ۹۷ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از روش نمونه گیری غربالگری به عنوان نمونه انتخاب گردیده است و سپس فرضیه های پژوهش، با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره مورد آزمون قرار می گیرند. متغیرهای مستقل شامل اهرم مالی، اخبار خوب و بد (سودآوری و

* استادیار مدیریت، دانشگاه اصفهان، گروه مدیریت، اصفهان، ایران.

** دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان، گروه مدیریت مالی، کاشان، اصفهان، ایران.

*** دانشجوی دکتری مدیریت رفتاری، دانشگاه تربیت مدرس، گروه مدیریت دولتی، تهران، ایران.

**** کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه بین المللی خلیج فارس، گروه حسابداری، اهواز، خوزستان، ایران.

Email: sa. karimi@gmail.com

(نویسنده مسئول)

سود سهام نقدی)، اندازه شرکت و حاکمیت شرکتی و متغیر وابسته اصلی این پژوهش، "تأخیر در گزارشگری" می‌باشد. به منظور اندازه‌گیری این متغیر، سه دوره شامل، دوره امضاء حسابرس، دوره ضمنی و کل مدت زمان گزارشگری در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از بررسی نشان می‌دهد که بین اندازه شرکت و دوره امضاء حسابرس و همچنین بین اندازه شرکت و دوره ضمنی تأثیری معنادار و منفی وجود دارد و در نهایت شرکت‌هایی که نسبت بدهی (اهرم مالی) بیشتری دارند، شرکت‌هایی که دارای اخبار خوب هستند و همچنین شرکت‌هایی که تعداد سهامداران عمده آنها بیشتر است، تأخیر بیشتری در انتشار صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده دارند.

واژه های کلیدی: اهرم مالی، اخبار خوب و بد، اندازه شرکت، حاکمیت شرکتی، تأخیر در گزارشگری

۱- مقدمه

در عصر حاضر که با انفجار اطلاعات و محدودیت زمانی شعار تمامی نهادها و سازمان‌ها "اطلاعات سریع‌تر در زمان کمتر" است (حاجیها، ۱۳۹۲)، رشد و توسعه بنگاه‌های اقتصادی در کنار پیچیده‌تر شدن معاملات تجاری و سیستم‌های تصمیم‌گیری نیازمند اطلاعات مربوط و به موقع می‌باشد که بر مبنای آن تخصیص بهینه منابع محدود انجام پذیرد. هدف اصلی از گزارشگری و ارائه صورت‌های مالی، فراهم آوردن اطلاعاتی سودمند برای تصمیم‌گیری می‌باشد. اصطلاح گزارشگری مالی به معنی گزارش صورت‌های مالی و سایر اطلاعات انتشار یافته توسط یک واحد تجاری به اشخاص ثالث مانند: سهامداران، بستانکاران، مشتریان، سازمان‌های دولتی و عموم مردم است. بر اساس بیانیه شماره ۲ مفاهیم حسابداری مالی^۱، اطلاعاتی مربوط تلقی می‌شوند که، به موقع ارائه شوند.

در بورس اوراق بهادار، اصلی‌ترین و مهمترین ویژگی، کارا بودن آن است. در صورت کارا بودن بورس، هم قیمت اوراق بهادار به درستی و عادلانه تعیین می‌شود و هم تخصیص سرمایه که مهمترین عامل تولید و توسعه اقتصادی است، به صورت مطلوب و بهینه انجام می‌پذیرد. کارایی بورس، ارتباط تنگاتنگی با اطلاعات موجود در بازار و انعکاس به موقع و سریع اطلاعات بر روی قیمت‌های اوراق بهادار دارد.

با توجه به حرکت به سمت خصوصی‌سازی شرکت‌های ایرانی در سال‌های اخیر، اطلاعات مالی منتشر شده از سوی شرکت‌های ایرانی نقش مهمی را در این راستا ایفا می‌کند (ستایش و

^۱. Statements of Financial Accounting Concepts

همکاران، ۱۳۹۲). یکی از مهمترین ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی به موقع بودن اطلاعات می‌باشد. به موقع بودن، به در دسترس بودن اطلاعات در زمان مناسب دلالت دارد. در صورتی که اطلاعات در زمان مناسب در اختیار استفاده‌کنندگان قرار نگیرند، سودمندی خود را جهت اتخاذ تصمیم و قضاوت توسط استفاده‌کنندگان از دست می‌دهند (کرک و همکاران^۱، ۱۹۸۰؛ پیلی^۲، ۲۰۰۷). متغیر کلیدی در به موقع بودن، "تأخیر در گزارشگری"^۳ می‌باشد. از آنجا که اطلاعات مالی نسبت به گذشت زمان ارزش و سودمندی خود را در تصمیم‌گیری‌ها از دست می‌دهد، بنابراین هرچه فاصله زمانی بین پایان سال مالی و تاریخ انتشار صورت‌های مالی (تأخیر در گزارشگری) کوتاه‌تر شود، ارزش اطلاعات منتشر شده بیشتر می‌شود.

یکی از دلایل اصلی عنوان شده از سوی شرکت‌ها برای تأخیر در ارائه صورتهای مالی سالانه، نیاز به انجام خدمات حسابرسی می‌باشد. به عبارت دیگر طولانی شدن زمان انتشار صورتهای مالی و طولانی شدن عملیات حسابرسی در هم پیچیده شده‌اند و به صورت مترادف در ادبیات گزارشگری مالی به کار برده می‌شوند. (ورمرت و همکاران^۴، ۱۹۹۷).

پژوهش حاضر درصدد آن است که برخی از عواملی که مربوط به ویژگی‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و بر تأخیر در ارائه گزارشات سالانه حسابرسی شده و طولانی شدن مدت زمان گزارش اطلاعات مالی مؤثر هستند را شناسایی کند. در این تحقیق عوامل مربوط به شرکت گزارشگر که بر تأخیر در انتشار صورتهای مالی مؤثرند، در نظر گرفته شده است.

۲- مبانی نظری

اگرچه موضوع تأخیر در انتشار صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده موضوع مهمی است ولی پژوهش‌های اندکی در این زمینه صورت گرفته است (کلاتورسی^۵، ۲۰۱۰). بهنگام بودن اطلاعات ویژگی پشتیبانی‌کننده‌ای برای مربوط بودن اطلاعات است (شرودر^۶ و همکاران، ۲۰۰۸). اطلاعاتی که در دوره‌های زمانی مشخص شده توسط بازار سرمایه، از طرف شرکت‌ها منتشر می‌گردد، مهمترین عامل مؤثر بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران می‌باشد. اما از آن جایی که

¹. Kirk and, et al.

². Pili

³. Reporting delay

⁴. Wermert, et al.

⁵ - Clatworthy

⁶ - Schroeder

این اطلاعات در صورتی مؤثر هستند که در زمان مناسب گزارش شوند، به زمان گزارش آن ها توجه بسیاری شده است. زمان ارائه اطلاعات یک رابطه دو طرفه از مقررات و ضوابط انتشار اطلاعات توسط بازار سرمایه و ویژگی های شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می باشد. (یار محمدی، ۱۳۸۰).

به طور کلی عوامل مؤثر بر تأخیر در گزارشگری مالی سالانه را می توان به دو گروه تقسیم نمود. گروه اول عواملی هستند که به ویژگی ها و خصوصیات شرکت گزارشگر مربوط می شوند. گروه دوم عوامل مربوط به حسابرسی می باشند. در این پژوهش عوامل مربوط به ویژگی ها و خصوصیات شرکت گزارشگر که باعث تأخیر در گزارشگری سالانه می شود، مورد بررسی قرار می گیرد. این عوامل شامل اهرم مالی، اخبار خوب و بد (سودآوری و سود سهام نقدی)، اندازه شرکت و حاکمیت شرکتی می باشد.

۲-۱- اهرم مالی: یکی از عوامل مؤثر بر تأخیر در انتشار صورت های مالی سالانه حسابرسی شده، نسبت بالای بدهی می باشد. اهرم مالی یکی از عواملی است که بر به موقع بودن انتشار صورت های مالی تأثیر گذار است (مصطفی و شوئیات^۱، ۲۰۱۳: ۴۲۱) بالا بودن نسبت بدهی احتمال ناتوانی شرکت در بازپرداخت بدهی و ایفای تعهدات خود را افزایش می دهد. در چنین حالتی حسابرسان نگران این هستند که ممکن است شرکت مورد رسیدگی بدهی خود را کمتر از واقع نشان داده باشد. بنابراین حسابرسان برای کاستن میزان مسئولیت خود در مقابل دعاوی مطروحه احتمالی در آینده، روش های حسابرسی را به گونه ای طراحی و اجرا می کنند که از میزان بدهی های ثبت شده از سوی شرکت ها اطمینان حاصل کنند. انجام این گونه اقدامات از جانب حسابرسان، موجب طولانی شدن دوره زمانی بین پایان سال مالی و تاریخ امضاء گزارش حسابرسی، و نهایتاً باعث تأخیر در انتشار صورت های مالی حسابرسی شده، می گردد (سلطانی^۲، ۲۰۰۲).

۲-۲- اخبار خوب و بد: مطالعات انجام شده از اوایل سال ۱۹۸۰، جهت بررسی زمان اعلام درآمد، نشان داد که مدیران شرکت های بزرگ تمایل دارند که اخبار خوب را زودتر و اخبار بد را با تأخیر انتشار دهند (روی چادهاری^۳ و همکاران، ۲۰۱۲ و کولینان و همکاران، ۲۰۱۲). بر این

^۱ - Mustafa and Shwiyat

^۲ - Soltani

^۳ - Roychowdhury

مبنا برای اولین بار بیور^۱ (۱۹۶۸) اشاره کرده است که اخبار بد به دلایلی مانند وجود یک سیستم حسابداری محافظه کارانه و یا افزایش مالیات پرداختی با تأخیرتر از اخبار خوب منتشر می شوند.

۲-۲-۱- سودآوری: عملکرد یک شرکت تأثیر مهمی بر قیمت اوراق بهادار شرکت دارد و

بیانگر مهارت های مدیریتی به کار برده شده در شرکت می باشد. سودآوری به توانایی شرکت در بدست آوردن درآمد و سود اشاره دارد. اگر از دید مالیات بر سود شرکت ها به مسئله افزایش در سودآوری بنگریم، این انتظار می رود که مدیران شرکت ها به دلیل اجتناب از پرداخت مالیات بیشتر، سعی می کنند که اخبار مربوط به افزایش در سودآوری (اخبار خوب) را با تأخیر منتشر کنند (جیندریچوسکا و مکلی^۲، ۲۰۰۵). شرکت های سود ده زودتر از شرکت های زیان ده، عملیات حسابرسی خود را اجرا و تکمیل می کنند و تأخیر کمتری دارند (فروست^۳ و همکاران، ۱۹۹۴).

۲-۲-۲- سود سهام نقدی: هدف اولیه از پرداخت سود سهام در شرکت های سهامی معمولاً

توجه به منافع سهامداران است (رهنمای رودپشتی، ۱۳۸۵). تقسیم سود نقدی بین سهامداران به عنوان یک ابزار علامت دهی می باشد (مهرانی و تالانه، ۱۳۷۷). شرکتی که جریان نقدی آزادش را توزیع می کند، می تواند این اطمینان را برای سهامداران فراهم کند که پول آنها هدر نمی رود (فیلیپ و جانیس^۴، ۲۰۰۲). از طرفی شرکت هایی که سود سهام بیشتری را بین سهامداران توزیع می کنند اندوخته کمتری خواهند داشت و در نتیجه رشد شرکت پایین خواهد بود.

۲-۳- اندازه شرکت: اندازه ی شرکت دارایی های کل شرکت را شامل می شود. در

پژوهش های پیشین معمولاً از دارایی های کل برای سنجش تأخیر در انتشار صورت های حسابرسی شده استفاده گردیده است (اشتون^۵ و همکاران، ۱۹۸۹؛ عبدالله، ۱۹۹۶). اغلب پژوهش های پیشین همبستگی منفی بین تأخیر در انتشار صورت های حسابرسی شده و اندازه ی شرکت را به اثبات رساندند. این موضوع احتمالاً به دلیل کنترل های داخلی قوی و توانایی حسابرسان برای تکمیل کار حسابرسی در زمان مناسب بوده است (کراسلاو و کاپلان^۶، ۱۹۹۱).

۲-۴- حاکمیت شرکتی: حاکمیت شرکتی بر به موقع بودن انتشار صورت های مالی

تأثیرگذار است (لارا^۷ و همکاران، ۲۰۰۹). حاکمیت شرکتی مناسب منجر به بهبود ارزیابی مدیران

1 - Beaver

2 - Jindrichovska and Mcleay

3 - Frost

4. Philip and Janice

5 - Ashton

6 - Carslaw and Kaplan

7 - Lara

از فعالیت ها، ریسک کمتر و ارائه ی بموقع صورت های مالی می شود (کلات ورثی و همکاران، ۲۰۱۰). کاهش تأخیر در مدت زمان گزارشگری یکی از جوانب اعمال یک حاکمیت شرکتی خوب می باشد (کالزیک^۱، ۲۰۰۴؛ بلنچت^۲، ۲۰۰۲؛ پریکت^۳، ۲۰۰۲). شرکت هایی که سهامداران بیشتری دارند، معمولاً اطلاعات و گزارشات مالی خود را با تأخیر کمتری منتشر می کنند (عبدل سلام و استریت^۴، ۲۰۰۷).

۳- پیشینه ی پژوهش

پور علی و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل تاثیرگذار در تاخیر حسابرسی: مطالعه ای از بورس اوراق بهادار تهران" به بررسی همبستگی بین عواملی مانند اندازه ی شرکت، درصد تغییرات درآمد در هر سهم، صنعت در حال فعالیت و نسبت بدهی با تاخیر حسابرسی طی سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ برای ۱۳۹۷ شرکت مورد بررسی پرداختند. نتایج نشان داد که بین متغیر اندازه ی شرکت همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد ولی بین متغیرهای درصد تغییرات درآمد در هر سهم، صنعت در حال فعالیت و نسبت بدهی با تاخیر حسابرسی همبستگی مثبت و معناداری مشاهده نشد.

احسان و برهان^۵ (۲۰۱۱) در تحقیقی ارتباط بین تخصص مؤسسه حسابرسی و تأخیر در انتشار گزارش حسابرسی را مورد بررسی قرار داد. در این مطالعه تأخیر در انتشار گزارش حسابرسی به عنوان معیاری جهت سنجش میزان کارایی ۶ حسابرسی در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از این تحقیق حاکی از آن است که شرکت هایی که صورت های مالی آنها توسط حسابرسان متخصص و مؤسسات حسابرسی تخصصی حسابرسی می شود، تأخیر کمتری در انتشار گزارشات خود دارند. همچنین نتایج حاصله نشان دهنده این است که استفاده از استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی^۶ (IFRS) توسط همه حسابرسان به استثناء مؤسسات حسابرسی تخصصی و حسابرسان متخصص باعث طولانی شدن زمان انتشار گزارش حسابرسی می گردد.

1. Kulzick

2. Blanchet

3. Prickett

4. Abdelsalam and Street

5. Ahsan and Borhan

6. Efficiency

7. International Financial Reporting Standards

بیزر و تیزن ۱ (۲۰۱۰) در تحقیقی به تجزیه و تحلیل عواملی که بر تأخیر در گزارش معاملاتی بر اساس اطلاعات محرمانه و معاملاتی توسط اشخاص عضو شرکت انجام می‌شود، پرداختند. نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر آن است که اصولاً در چنین مواردی تأخیر در گزارشگری به ویژگی‌ها و خصوصیات شرکت مربوط می‌شود. همچنین نتایج حاکی از آن است که شرکت‌هایی که مالکیت پراکنده‌ای دارند و شرکت‌هایی که از استانداردهای حسابداری آلمان استفاده می‌کنند، گزارشات و اطلاعات مالی خود را با تأخیر بیشتری منتشر می‌نمایند. نتایج حاصل از این پژوهش همچنین مبین آن است که بازده‌های غیرعادی ۲ ایجاد شده بعد از تاریخ گزارش معاملاتی که توسط افراد عضو گروه انجام شده است، تأثیری بر تأخیر در گزارشگری ندارند. بلکه ناشی از تغییر قیمت‌هایی است، که در فاصله زمانی بین انجام معامله و تاریخ گزارشگری رخ داده است.

ایزمی و همکاران ۳ (۲۰۱۰) تأثیر نوع مالکیت حاکم بر شرکت‌ها را بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار مالزی مورد مطالعه قرار دادند. آنان اثر سه عامل تمرکز مالکیت ۴، مالکیت نهادی ۵ و مالکیت خارجی ۶ را بر به‌موقع بودن انتشار اطلاعات و صورت‌های مالی ۱۹۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مالزی را برای سال مالی ۲۰۰۷ مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های حاصل از این تحقیق بیانگر آن است که شرکت‌هایی که دارای سطح متوسطی از مالکیت نهادی هستند، و همچنین شرکت‌هایی که دارای مالکیت خارجی عمده‌ای هستند، صورت‌های مالی حسابرسی شده خود را با تأخیر کمتری منتشر می‌کنند و گزارشگری به‌موقع‌تری دارند. شرکت‌هایی که دارای سرمایه‌گذاران خارجی و سرمایه‌گذاران نهادی هستند، صورت‌های مالی حسابرسی شده خود را به‌موقع‌تر و با تأخیر کمتری منتشر می‌کنند.

خدامرادی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل تأثیرگذار بر تأخیر گزارشگری مالی میان دوره ای (مطالعه تجربی: بورس اوراق بهادار تهران)" به بررسی میزان تأثیر هفت عامل اثرگذار بر تأخیر شامل سابقه بررسی شرکت، صنعتی که شرکت بدان متعلق است، اندازه، ساختار سرمایه، رشد، سودآوری و حجم معاملات سهام پرداختند. نتایج نشان داد که در دوره پژوهش از بین هفت متغیر مستقل مورد بررسی، رابطه معکوس معناداری بین قدمت بورسی با تأخیر در انتشار گزارشهای مالی میان دوره‌های مشاهده شد.

1. Betzer and Theissen

2. Abnormal returns

3. Iszmi and et al.

4. Ownership concentration

5. Institutional ownership

6. Foreign ownership

مرادی و پورحسینی (۱۳۸۸)، رابطه بین برخی ویژگی‌های مالی و غیرمالی و مدت زمان اجرا و تکمیل عملیات حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را طی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۵، مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین مدت زمان اجرا و تکمیل عملیات حسابرسی و پنج متغیر مستقل انتخاب شده (اندازه، نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام، سوددهی، نوع اظهارنظر حسابرسان و عمر شرکت) ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

معیری (۱۳۸۶) عوامل موثر بر به موقع بودن گزارش حسابرسی را مورد بررسی قرار داد. نتایج پژوهش انجام شده حاکی از آن است که تاخیر در ارائه گزارش حسابرسی به طور بااهمیتی برای شرکت‌های دارای تاریخ پایان سال مالی منتهی به ۲۹ اسفندماه بیشتر بوده است.

۴- فرضیه های پژوهش

در جدول شماره ۱ یک فرضیه های پژوهش ارائه گردیده است.

جدول (۱): فرضیه های پژوهش

۱	فرضیه‌های مرتبط با اهرم مالی	بین اهرم مالی و دوره امضاء حسابرس ارتباط معناداری وجود دارد.
۲	مرتبط با اهرم مالی	بین اهرم مالی و دوره ضمنی ارتباط معناداری وجود دارد.
۳	مرتبط با سودآوری	بین اهرم مالی و کل مدت زمان گزارشگری ارتباط معناداری وجود دارد.
۴	فرضیه‌های مرتبط با سودآوری	بین سودآوری و دوره امضاء حسابرس ارتباط معناداری وجود دارد.
۵	مرتبط با سودآوری	بین سودآوری و دوره ضمنی ارتباط معناداری وجود دارد.
۶	مرتبط با سودآوری	بین سودآوری و کل مدت زمان گزارشگری ارتباط معناداری وجود دارد.
۷	فرضیه‌های مرتبط با سود سهام نقدی	بین سود سهام نقدی و دوره امضاء حسابرس ارتباط معناداری وجود دارد.
۸	مرتبط با سود سهام نقدی	بین سود سهام نقدی و دوره ضمنی ارتباط معناداری وجود دارد.
۹	مرتبط با سود سهام نقدی	بین سود سهام نقدی و کل مدت زمان گزارشگری ارتباط معناداری وجود دارد.
۱۰	فرضیه‌های مرتبط با اندازه شرکت	بین اندازه شرکت و دوره امضاء حسابرس ارتباط معناداری وجود دارد.
۱۱	مرتبط با اندازه شرکت	بین اندازه شرکت و دوره ضمنی ارتباط معناداری وجود دارد.
۱۲	مرتبط با اندازه شرکت	بین اندازه شرکت و کل مدت زمان گزارشگری ارتباط معناداری وجود دارد.
۱۳	فرضیه‌های مرتبط با اندازه شرکت	بین حاکمیت شرکتی و دوره امضاء حسابرس ارتباط معناداری وجود دارد.
۱۴	مرتبط با اندازه شرکت	بین حاکمیت شرکتی و دوره ضمنی ارتباط معناداری وجود دارد.
۱۵	مرتبط با اندازه شرکت	بین حاکمیت شرکتی و کل مدت زمان گزارشگری ارتباط معناداری وجود دارد.

ماخذ: پژوهشگران

۵- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است. طرح پژوهش آن از نوع نیمه تجربی و با استفاده از رویکرد پس‌رویدادی (از طریق اطلاعات گذشته) است. از روش پس‌رویدادی زمانی استفاده می‌شود که پژوهشگر پس از وقوع رویدادها به بررسی موضوع می‌پردازد، افزون بر این، امکان دستکاری متغیرهای مستقل وجود ندارد.

۵-۱- روش محاسبه متغیرهای مستقل و وابسته: نحوه محاسبه و اندازه‌گیری متغیرهای

وابسته در جدول ۲ و متغیرهای مستقل در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول (۲): نحوه محاسبه متغیرهای وابسته ۱

نحوه اندازه‌گیری	نماد متغیر	نام متغیر		
		دوره امضاء حسابرسی	تأخیر در گزارش گری	وابسته
		دوره ضمنی		
		کل مدت زمان گزارشگری		
لگاریتم طبیعی اختلاف روزهای بین پایان سال مالی و تاریخ امضاء گزارش حسابرسی توسط حسابرسان	AUDITLAG			
لگاریتم طبیعی اختلاف روزهای بین تاریخ امضاء گزارش حسابرسی توسط حسابرسان و تاریخی که صورت‌های مالی حسابرسی شده منتشر می‌شوند.	INTERIM			
لگاریتم طبیعی اختلاف روزهای بین پایان سال مالی و تاریخی که صورت‌های مالی حسابرسی شده منتشر می‌شوند. این دوره، جمع دوره امضاء حسابرسی و دوره ضمنی می‌باشد.	TPERIOD			

ماخذ: الاجمی (۲۰۰۸)

جدول (۳): نحوه محاسبه متغیرهای مستقل ۱

نام متغیر	نماد متغیر	نحوه اندازه گیری
متغیرهای مستقل	DR	(کل داراییها) / (کل بدهیها)
	CROA	تغییر در بازده داراییها
		سودآوری
	CROE	تغییر در بازده حقوق صاحبان سهام
		سود سهام نقدی
	CDTA	تغییر در نسبت سود سهام به کل داراییها
	CDTE	تغییر در نسبت سود سهام به حقوق صاحبان سهام
		اندازه شرکت
متغیرهای مستقل	SIZE	لگاریتم طبیعی فروش شرکت در سال مورد نظر
	LSHOW	درصد سهام در دست سهامدارانی که مالک پنج درصد سهام شرکت یا بیشتر هستند.
	NOLSH	تعداد سهامدارانی که مالک پنج درصد سهام شرکت یا بیشتر هستند.

مأخذ: الاجمی (۲۰۰۸)

۵-۲- جامعه آماری، انتخاب نمونه و روشهای جمع آوری اطلاعات

جامعه آماری در این مطالعه، دربرگیرنده کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در انتخاب نمونه از جامعه فوق ویژگی‌های زیر را مدنظر قرار داده‌ایم: تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۸۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد، سال مالی آن منتهی به

پایان اسفند ماه باشد، شرکت مورد نظر طی دوره پژوهش فعالیت مستمر داشته باشد، شرکت انتخابی سال مالی خود را در طی دوره‌های مورد نظر تغییر نداده باشد، شرکت نباید در طی دوره‌های مورد نظر توقف فعالیت داشته باشند، اطلاعات مالی مورد نیاز برای انجام این پژوهش را در دوره زمانی ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۹ به طور کامل ارائه و در دسترس باشد.

با در نظر گرفتن محدودیت‌های فوق، نمونه آماری و اطلاعات مربوط به آنها، از نرم‌افزارهای مختلف در دسترس نظیر صحرا، تدبیرپرداز و رهاورد و بانک‌های اطلاعاتی بورس اوراق بهادار جمع‌آوری گردیده است.

این پژوهش مبتنی بر ارقام واقعی بازار سهام و صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این پژوهش اطلاعات مالی مورد نیاز مانند: محاسبه اهرم مالی، سودآوری، متغیرهای مربوط به محاسبه سود سهام نقدی، اندازه شرکت و متغیرهای حاکمیت شرکتی از صورت‌های مالی حسابرسی شده و یادداشت‌های همراه مربوط به شرکت‌های مورد مطالعه و با کمک لوح‌های فشرده سازمان بورس اوراق بهادار تهران به دست آمده است. داده‌هایی از قبیل تاریخ پایان سال مالی شرکت‌ها و تاریخ امضاء حسابرسان به ترتیب از صورت‌های مالی شرکت‌های مورد نظر و گزارش حسابرسان مستقل که ضمیمه صورت‌های مالی شرکت‌های مورد مطالعه است، بدست آمده است. داده‌های مربوط به تاریخ انتشار عمومی گزارشات، یعنی تاریخی که صورت‌های مالی از طریق سایت بورس اوراق بهادار در دسترس عموم قرار گرفته‌اند، از نرم افزار تدبیرپرداز و سایت بورس اوراق بهادار تهران استخراج شده است. برای تدوین ادبیات و پیشینه پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در بخش کتابخانه‌ای، مبانی نظری پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی و لاتین گردآوری شده است. پس از جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، در نهایت به کمک نرم‌افزارهای تحلیل آماری، تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت می‌گیرد.

بنابراین با توجه به متغیرهای پژوهش، می‌توان از مدل رگرسیونی کلی بالا، مدل‌های زیر را جهت آزمون فرضیات استخراج کرد:

جدول (۴): مدل های پژوهش

INTERIM_it=Constant+ β_1 DR_it+ β_2 CROA_it+ β_3 SIZE_it+ β_4 LSHOW_it+ β_5 NOLSH_it	مدل ۱
AUDITLAG_it=Constant+ β_1 DR_it+ β_2 CROE_it+ β_3 SIZE_it+ β_4 LSHOW_it+ β_5 NOLSH_it	مدل ۲
AUDITLAG_it=Constant+ β_1 DR_it+ β_2 CDTA_it+ β_3 SIZE_it+ β_4 LSHOW_it+ β_5 NOLSH_it	مدل ۳
AUDITLAG_it=Constant+ β_1 DR_it+ β_2 CDTE_it+ β_3 SIZE_it+ β_4 LSHOW_it+ β_5 NOLSH_it	مدل ۴
INTERIM_it=Constant+ β_1 DR_it+ β_2 CROA_it+ β_3 SIZE_it+ β_4 LSHOW_it+ β_5 NOLSH_it	مدل ۵
INTERIM_it=Constant+ β_1 DR_it+ β_2 CROE_it+ β_3 SIZE_it+ β_4 LSHOW_it+ β_5 NOLSH_it	مدل ۶
INTERIM_it=Constant+ β_1 DR_it+ β_2 CDTA_it+ β_3 SIZE_it+ β_4 LSHOW_it+ β_5 NOLSH_it	مدل ۷
INTERIM_it=Constant+ β_1 DR_it+ β_2 CDTE_it+ β_3 SIZE_it+ β_4 LSHOW_it+ β_5 NOLSH_it	مدل ۸
TPERIOD_it=Constant+ β_1 DR_it+ β_2 CROA_it+ β_3 SIZE_it+ β_4 LSHOW_it+ β_5 NOLSH_it	مدل ۹
TPERIOD_it=Constant+ β_1 DR_it+ β_2 CROE_it+ β_3 SIZE_it+ β_4 LSHOW_it+ β_5 NOLSH_it	مدل ۱۰
TPERIOD_it=Constant+ β_1 DR_it+ β_2 CDTA_it+ β_3 SIZE_it+ β_4 LSHOW_it+ β_5 NOLSH_it	مدل ۱۱
TPERIOD_it=Constant+ β_1 DR_it+ β_2 CDTE_it+ β_3 SIZE_it+ β_4 LSHOW_it+ β_5 NOLSH_it	مدل ۱۲

ماخذ: پژوهشگران

همان طور که در مدل های بالا مشاهده می شود، در مدل ۱، ۲، ۳ و ۴ به بررسی ارتباط بین متغیرهای مستقل پژوهش و متغیر دوره امضاء حسابرس (AUDITLAG) پرداخته می شود، که در این مدل ها به ترتیب متغیرهای CROA، CROE، CDTA و CDTE وارد مدل می شوند. مدل ۵، ۶، ۷ و ۸ به بررسی ارتباط بین متغیرهای مستقل پژوهش و متغیر دوره ضمنی (INTERIM) می پردازد، که در این مدل ها نیز به ترتیب متغیرهای CROA، CROE، CDTA و CDTE وارد مدل می شوند. مدل های ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ رابطه بین متغیرهای مستقل پژوهش و متغیر کل مدت زمان گزارشگری (TPERIOD) را نشان می دهد. در این مدل ها نیز به ترتیب متغیرهای CROA، CROE، CDTA و CDTE وارد مدل می شوند.

مدت زمان بین پایان سال مالی و تاریخی که صورت‌های مالی حسابرسی شده منتشر می‌شوند، بیانگر تأخیر در گزارشگری می‌باشد. که این دوره زمانی به دو دوره فرعی تقسیم می‌شود.

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- آماره‌های توصیفی

آماره‌های توصیفی داده‌های خام که برای آزمون فرضیه مورد استفاده قرار گرفته است در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول (۵): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
AUDITLAG	۴/۳۵	۴/۸۱	۱/۹۵	۰/۳۷
INTERIM	۰/۱۶	۱/۵۳	-۰/۲۶	۰/۱۷
TPERIOD	۴/۵۱	۵/۲۳	۱/۹۵	۰/۳۵
DR	۰/۶۷	۱/۹	۰/۰۵	۰/۱۸
CROA	-۰/۰۱	۶/۴۵	-۶/۵۶	۰/۳۵
CROE	۰/۲	۳۱۳/۴۳	-۳۱۳/۹	۱۶/۷۵
CDTA	-۰/۰۰۱	۰/۶۱	-۰/۵۶	۰/۰۸
CDTE	-۰/۰۱۳	۳/۹۹	-۳/۹۸	۰/۳۷
SIZE	۲۶/۴۷	۳۲/۰۶	۱۹/۵۱	۱/۴۸
LSHOW	۴/۲۵	۴/۶	۱/۷۳	۰/۳۷
NOLSH	۰/۹۵	۲/۲	۰/۰۰	۰/۵۵

ماخذ: پژوهشگران

۶-۲- آمار استنباطی

۶-۲-۱- بررسی مدل استفاده از داده‌ها (آزمون چاوو)

معمولاً استفاده از داده‌های آماری به سه روش مقطعی، سری زمانی و روش داده‌های ترکیبی (دیتا پانل) امکان‌پذیر است. در این تحقیق از روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. جدول ۶ نتایج حاصل از آزمون چاوو را جهت تعیین روش استفاده از داده‌ها، نشان می‌دهد. فرضیات این آزمون عبارتند از:

$$\begin{cases} H_0: \rightarrow \text{مدل استفاده از داده‌ها Pool است.} \\ H_1: \rightarrow \text{مدل استفاده از داده‌ها Panel است.} \end{cases}$$

جدول (۶): نتایج آزمون چاوو

مدل‌ها	آماره	درجه آزادی	معنی-داری	مدل‌ها	آماره	درجه آزادی	معنی-داری
مدل ۱	۱۲/۴۱۸۷۷۸	(۹۶۶۶۷)	۰/۰۰۰	مدل ۷	۱/۸۶۱۹۲۹	(۷۵۵۲۰)	۰/۰۰۰۱
مدل ۲	۱۲/۳۷۲۳۳۸	(۹۶۶۶۷)	۰/۰۰۰	مدل ۸	۱/۸۴۹۲۰۴	(۷۵۵۲۰)	۰/۰۰۰۱
مدل ۳	۱۲/۳۹۲۹۳۸	(۹۶۶۶۷)	۰/۰۰۰	مدل ۹	۱۰/۲۷۰۹۳۵	(۹۶۶۶۷)	۰/۰۰۰
مدل ۴	۱۲/۳۵۸۴۳۵	(۹۶۶۶۷)	۰/۰۰۰	مدل ۱۰	۱۰/۰۵۵۰۰۳	(۹۶۶۶۷)	۰/۰۰۰
مدل ۵	۱/۸۵۲۸۱۶	(۷۵۵۲۰)	۰/۰۰۰۱	مدل ۱۱	۱۰/۰۲۱۶۹۲	(۹۶۶۶۷)	۰/۰۰۰
مدل ۶	۱/۸۵۴۷۴۲	(۷۵۵۲۰)	۰/۰۰۰۱	مدل ۱۲	۹/۹۳۹۲۱۴	(۹۶۶۶۷)	۰/۰۰۰

ماخذ: پژوهشگران

با توجه به جدول ۶، چون سطح معناداری داده‌های مقطعی در تمام مدل‌ها، کمتر از ۰/۰۵ است، پس فرض H_0 رد شده و فرض H_1 پذیرفته می‌شود. در نتیجه روش استفاده از داده‌ها در تمام مدل‌های پژوهش، روش داده‌های ترکیبی (دیتا پانل) می‌باشد.

۶-۲-۲-آزمون هاسمن

بعد از اینکه نتیجه گرفتیم که روش استفاده از داده‌ها، روش داده‌های ترکیبی است، پس باید آزمون هاسمن را جهت تعیین اینکه آیا مدل دارای اثرات ثابت است یا اثرات تصادفی، انجام دهیم. جدول ۷ نتایج حاصل از آزمون هاسمن را نشان می‌دهد. فرضیات این آزمون به صورت زیر است:

$$\begin{cases} H & : \text{مدل دارای اثرات تصادفی است.} \rightarrow \\ H & : \text{مدل دارای اثرات ثابت است.} \rightarrow \end{cases}$$

جدول (۷): نتایج آزمون هاسمن

مدل‌ها	آماره کای اسکور	درجه آزادی	معنی-داری	مدل‌ها	آماره کای اسکور	درجه آزادی	معنی-داری
مدل ۱	۹/۷۸۱۸۰۵	۵	۰/۰۰۸۱۶۵	مدل ۷	۵۲/۲۸۸۲۲۸	۵	۰/۰۰۰۰
مدل ۲	۱۱/۶۱۱۵۸۴	۵	۰/۰۴۰۵	مدل ۸	۵۷/۹۵۶۴۰۷	۵	۰/۰۰۰۰
مدل ۳	۱۴/۶۴۹۷۲۳	۵	۰/۰۱۲۰	مدل ۹	۴۸/۶۲۲۰۸۲	۵	۰/۰۰۰
مدل ۴	۲۵/۰۶۷۰۶۶	۵	۰/۰۰۰۱	مدل ۱۰	۱۳/۹۹۱۳۳۵	۵	۰/۰۱۵۷
مدل ۵	۵۸/۵۸۹۸۱۳	۵	۰/۰۰۰	مدل ۱۱	۵۲/۷۶۳۶۳۷	۵	۰/۰۰۰
مدل ۶	۴۸/۷۱۰۸۴۰	۵	۰/۰۰۰	مدل ۱۲	۵۶/۹۰۹۵۳۷	۵	۰/۰۰۰

ماخذ: یافته‌های پژوهشگران

با توجه به جدول ۷، چون سطح معناداری داده‌های مقطعی در تمام مدل‌ها، کمتر از ۰/۰۵ است، پس فرض H_0 رد شده و فرض H_1 پذیرفته می‌شود و نتیجه می‌گیریم که همه مدل‌های مورد استفاده در این تحقیق دارای اثرات ثابت هستند.

۳-۶- آزمون فرضیات

فرضیات این آزمون به صورت زیر می‌باشد:

$$\begin{cases} H_0: \alpha_i = 0 & \text{ضریب جامعه صفر است} \\ H_1: \alpha_i \neq 0 & \text{ضریب جامعه مخالف صفر است.} \end{cases}$$

جدول (۸): مدل متغیر وابسته AUDITLAG با ورود متغیر CROA

متغیرهای ورودی	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معناداری	ضرایب	R^2
Constant	۰/۲۴۷۰۳۴	۲۱/۸۴۳۲۱	۰/۰۰۰۰	۵/۳۹۶۰۰۶	۰/۸۶۱۷
DR	۰/۰۳۱۳۹۱	۱/۳۲۳۹۸۹	۰/۱۸۶۰	۰/۰۴۱۵۶۲	
CROA	۰/۰۱۳۶۴۳	۰/۰۴۸۸۰۰	۰/۹۶۱۱	۰/۰۰۰۶۱۷	
*SIZE	۰/۰۰۷۳۳۱	-۳/۹۵۴۳۱۰	۰/۰۰۰۱	-۰/۰۲۸۹۸۹	
*LSHOW	۰/۰۳۲۵۰۸	-۲/۳۷۴۵۳۶	۰/۰۱۷۹	-۰/۰۷۷۱۹۲	
NOLSH	۰/۰۱۴۸۲۸	۱/۶۸۳۶۷۹	۰/۰۹۲۷	۰/۰۲۴۹۶۵	

ماخذ: یافته‌های پژوهشگران

با توجه به جدول ۸ ملاحظه می‌شود که سطح معنی‌داری متغیرهای DR، CROA و NOLSH بیشتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه ضریب این متغیرها برابر با صفر بوده و وارد مدل نمی‌شوند. لذا مدل نهایی با توجه به ضرایب بدست آمده به شرح زیر می‌باشد:

$$\text{AUDITLAG} = 5/396006 - 0/028989 * \text{SIZE} - 0/077192 * \text{LSHOW}$$

ضریب تعیین (R^2) معیاری است که قوت رابطه میان متغیر مستقل و متغیر وابسته را تشریح می‌کند. مقدار این ضرایب در واقع مشخص کننده آن است که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل توضیح داده می‌شود. با ورود متغیر CROA ضریب تعیین مدل در حالتی که متغیر وابسته دوره امضاء حسابرس می‌باشد، برابر با ۰/۸۶۱۷ می‌باشد. یعنی ۸۶/۱۷٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل نهایی قابل توضیح است.

جدول (۹): مدل متغیر وابسته AUDITLAG با ورود متغیر CROE

متغیرهای ورودی	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معناداری	ضرایب	R^2
Constant	۰/۲۳۵۰۹۱	۲۳/۰۵۵۰	۰/۰	۵/۴۲۰۱۳۹	۰/۸۶۶۹
DR	۰/۰۲۹۶۳۲	۱/۴۲۱۹۷۱	۰/۱۵۵۵	۰/۰۴۲۱۳۵	
CROE	۰/۰۰۰۲۰۰	-۰/۰۹۱۴۹۳	۰/۹۲۷۱	-۱/۸۳۰۰۰۵	
*SIZE	۰/۰۰۶۸۸۶	-۴/۵۰۶۷۳۳	۰/۰	-۰/۰۳۱۰۳۵	
*LSHOW	۰/۰۳۰۶۸۵	-۲/۲۷۸۷۸۷	۰/۰۲۳۰	-۰/۰۶۹۹۲۶	
NOLSH	۰/۰۱۳۹۲۹	۱/۶۹۳۸۵۲	۰/۰۹۰۸	۰/۰۲۳۵۹۴	

ماخذ: یافته های پژوهشگران

با توجه به جدول ۹ ملاحظه می شود که سطح معنی داری متغیرهای DR، CROE و NOLSH بیشتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه ضریب این متغیرها برابر با صفر بوده و وارد مدل نمی شوند. مدل نهایی با توجه به ضرایب بدست آمده به شرح زیر می باشد:

$$\text{AUDITLAG} = 5/420139 - 0/031035 * \text{SIZE} - 0/069926 * \text{LSHOW}$$

با ورود متغیر CROE ضریب تعیین مدل در حالتی که متغیر وابسته AUDITLAG می باشد، برابر با ۰/۸۶۶۹ می باشد. یعنی ۸۶/۶۹٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل نهایی قابل توضیح است.

جدول (۱۰): مدل متغیر وابسته AUDITLAG با ورود متغیر CDTA

ورودی	انحراف استاندارد	آماره t	معناداری	R^2
Constant	۰/۲۳۸۸۵۷	۲۲/۶۴۴۱۱	۰/۰	۰/۸۶۵
DR	۰/۰۳۰۳۵۳	۱/۴۲۲۸۹۸	۰/۱۵۵۲	
*CDTE	۰/۰۴۷۱۴۵	-۰/۲۵۴۸۱۶	۰/۷۹۸۹	
*SIZE	۰/۰۰۷۰۲۱	-۴/۳۰۰۶۸۶	۰/۰	
LSHOW	۰/۰۳۱۱۳۷	-۲/۳۳۸۱۵۸	۰/۰۱۹۷	
*NOLSH	۰/۰۱۴۳۵۰	۱/۶۹۸۷۶۷	۰/۰۸۹۸	

ماخذ: یافته های پژوهشگران

با توجه به جدول ۱۰ ملاحظه می شود که سطح معنی داری متغیرهای DR، CDTA و NOLSH بیشتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه ضریب این متغیرها برابر با صفر بوده و وارد مدل نمی شوند. مدل نهایی با توجه به ضرایب بدست آمده به شرح زیر می باشد:

$$\text{AUDITLAG} = 5/408705 - 0/030196 * \text{SIZE} - 0/072803 * \text{LSHOW}$$

با ورود متغیر CDTE ضریب تعیین مدل در حالتی که متغیر وابسته AUDITLAG می‌باشد، برابر با ۰/۸۶۵۲ می‌باشد. یعنی ۸۶/۵۲٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل نهایی قابل توضیح است.

جدول (۱۱): مدل متغیر وابسته AUDITLAG با ورود متغیر CDTE

ورودی	انحراف استاندارد	آماره t	معناداری	R^2
Constant	۰/۲۳۶۲۵۷	۲۲/۹۰۷۱۵	۰/۰	۰/۸۶۶
DR	۰/۰۳۰۲۱۲	۱/۴۵۳۴۳۸	۰/۱۴۶۶	
*CDTE	۰/۰۱۱۹۰۸	-۰/۳۳۸۵۵۸	۰/۷۳۵۰	
*SIZE	۰/۰۰۶۹۰۶	-۴/۴۵۳۱۷۲	۰/۰	
LSHOW	۰/۰۳۰۷۹۴	-۲/۲۷۳۲۲۴	۰/۰۲۳۳	
*NOLSH	۰/۰۱۳۹۹۶	۱/۶۷۲۷۹۶	۰/۰۹۴۸	

ماخذ: یافته های پژوهشگران

با توجه به جدول ۱۱ ملاحظه می‌شود که سطح معنی‌داری متغیرهای DR، CDTE و NOLSH بیشتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه ضریب این متغیرها برابر با صفر بوده و وارد مدل نمی‌شوند. مدل نهایی با توجه به ضرایب بدست آمده به شرح زیر می‌باشد:

$$\text{AUDITLAG} = 5/411983 - 0/030756 * \text{SIZE} - 0/070001 * \text{LSHOW}$$

با ورود متغیر CDTE ضریب تعیین مدل در حالتی که متغیر وابسته AUDITLAG می‌باشد، برابر با ۰/۸۶۶۵ می‌باشد. یعنی ۸۶/۶۵٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل نهایی قابل توضیح است.

با مقایسه ضریب تعیین در مدل ۱ تا ۴ متوجه می‌شویم که از بین این مدل‌ها، مدل دوم از همه بهتر بوده و متغیرهای موجود در این مدل نسبت به سایر مدل‌ها، از قدرت بیشتری جهت بیان رابطه میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته برخوردار هستند. با نگاهی به مدل‌های نهایی ۱ تا ۴ نتیجه می‌گیریم که در تمامی این مدل‌ها تنها دو متغیر SIZE و LSHOW از میان پنج متغیر ورودی، وارد مدل شده‌اند و با توجه به اینکه مدل ۲ را به عنوان مدل بهینه انتخاب کردیم و همچنین با توجه به ضریب تعیین این مدل که برابر با ۰/۸۶۶۹ است، پس می‌توان گفت که ۸۶/۶۹٪ از تغییرات متغیر وابسته دوره امضاء حسابرس توسط متغیرهای SIZE و LSHOW قابل توضیح می‌باشد.

جدول (۱۲): مدل متغیر وابسته INTERIM با ورود متغیر CROA

ورودی	انحراف استاندارد	آماره t	معناداری	R^2
Constant	۰/۲۸۹۵۱۴	۷/۴۸۳۶۴۴	۰/۰	۰/۳۹۹
DR	۰/۰۳۶۴۶۰	۲/۷۰۵۴۹۴	۰/۰۰۷۰	
*CDTE	۰/۰۱۱۶۴۴	-۰/۵۲۳۳۵۸	۰/۶۰۰۹	
*SIZE	۰/۰۰۸۵۴۱	-۱۱/۰۸۲۵۶	۰/۰	
LSHOW	۰/۰۳۳۵۴۰	۲/۹۶۵۲۱۹	۰/۰۰۳۲	
*NOLSH	۰/۰۱۸۳۸۶	۱/۱۹۶۳۸۰	۰/۲۳۲۱	

ماخذ: یافته های پژوهشگران

با توجه به جدول ۱۲ ملاحظه می شود که سطح معنی داری متغیرهای CROA و NOLSH بیشتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه ضریب این متغیرها برابر با صفر بوده و وارد مدل نمی شوند. مدل نهایی با توجه به ضرایب بدست آمده به شرح زیر می باشد:

$$\text{INTERIM} = 2/166622 + 0/098642 * \text{DR} - 0/094658 * \text{SIZE} + 0/099453 * \text{LSHOW}$$

با ورود متغیر CROA ضریب تعیین مدل در حالتی که متغیر وابسته INTERIM می باشد، برابر با ۰/۳۹۹۱ می باشد. یعنی ۳۹/۹۱٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل نهایی قابل توضیح است.

جدول (۱۳): مدل متغیر وابسته INTERIM با ورود متغیر CROE

ورودی	انحراف استاندارد	آماره t	معناداری	R^2
Constant	۰/۲۸۹۳۵۹	۷/۴۲۱۶۶۳	۰/۰	۰/۳۹۹
DR	۰/۰۳۶۳۶۱	۲/۷۱۵۹۷۰	۰/۰۰۶۸	
*CDTE	۰/۰۰۱۷۶۹	-۰/۹۹۲۲۷۲	۰/۳۲۱۵	
*SIZE	۰/۰۰۸۵۴۲	-۱۱/۰۰۵۰۰	۰/۰	
LSHOW	۰/۰۳۳۴۶۸	۲/۹۸۵۷۱۵	۰/۰۰۳۰	
*NOLSH	۰/۰۱۸۳۷۶	۱/۱۹۸۶۹۶	۰/۲۳۱۲	

ماخذ: یافته های پژوهشگران

با توجه به جدول ۱۳ ملاحظه می‌شود که سطح معنی‌داری متغیرهای CROE و NOLSH بیشتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه ضریب این متغیرها برابر با صفر بوده و وارد مدل نمی‌شوند. مدل نهایی با توجه به ضرایب بدست آمده به شرح زیر می‌باشد:

$$\text{INTERIM} = 2/147528 + 0/098756 * \text{DR} - 0/094 * \text{SIZE} + 0/099925 * \text{LSHOW}$$

با ورود متغیر CROE ضریب تعیین مدل در حالتی که متغیر وابسته INTERIM می‌باشد، برابر با ۰/۳۹۹۸ می‌باشد. یعنی ۳۹/۹۸٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل نهایی قابل توضیح است.

جدول (۱۴): مدل متغیر وابسته INTERIM با ورود متغیر CDTA

ورودی	انحراف استاندارد	آماره t	معناداری	R^2
Constant	۰/۲۹۰۱۴۳	۷/۴۵۵۹۳۹	۰/۰	۰/۳۹۸۷
DR	۰/۰۳۶۴۲۶	۲/۶۸۰۰۱۳	۰/۰۰۷۶	
*CDTE	۰/۰۵۲۸۶۹	۰/۴۷۵۸۷۴	۰/۶۳۴۴	
*SIZE	۰/۰۰۸۵۱۲	-۱۱/۱۳۷۳۴	۰/۰	
LSHOW	۰/۰۳۳۷۲۰	۳/۰۰۶۹۹۷	۰/۰۰۲۸	
*NOLSH	۰/۰۱۸۲۸۵	۱/۱۹۰۳۹۰	۰/۲۳۴۴	

ماخذ: یافته‌های پژوهشگران

با توجه به جدول ۱۴ ملاحظه می‌شود که سطح معنی‌داری متغیرهای CDTA و NOLSH بیشتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه ضریب این متغیرها برابر با صفر بوده و وارد مدل نمی‌شوند. مدل نهایی با توجه به ضرایب بدست آمده به شرح زیر می‌باشد:

$$\text{INTERIM} = 2/163286 + 0/097621 * \text{DR} - 0/094803 * \text{SIZE} + 0/101396 * \text{LSHOW}$$

با ورود متغیر CDTA ضریب تعیین مدل در حالتی که متغیر وابسته INTERIM می‌باشد، برابر با ۰/۳۹۸۷ می‌باشد. یعنی ۳۹/۸۷٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل نهایی قابل توضیح است.

جدول (۱۵): مدل متغیر وابسته INTERIM با ورود متغیر CDTE

ورودی	انحراف استاندارد	آماره t	معناداری	R^2
Constant	۰/۲۹۰۴۷۵	۷/۵۳۷۳۰۱	۰/۰	۰/۴۰۰
DR	۰/۰۳۶۶۲۶	۲/۵۷۸۰۹۲	۰/۰۱۰۲	
*CDTE	۰/۰۱۱۷۹۰	۰/۹۸۹۸۶۶	۰/۳۲۲۷	
*SIZE	۰/۰۰۸۵۴۱	-۱۱/۱۴۴۰۸	۰/۰	
LSHOW	۰/۰۳۳۶۰۱	۲/۹۲۲۴۸۹	۰/۰۰۳۶	
*NOLSH	۰/۰۱۸۳۴۵	۱/۱۷۶۶۷۰	۰/۲۳۹۹	

ماخذ: یافته های پژوهشگران

با توجه به جدول ۱۵ ملاحظه می شود که سطح معنی داری متغیرهای CDTE و NOLSH بیشتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه ضریب این متغیرها برابر با صفر بوده و وارد مدل نمی شوند. مدل نهایی با توجه به ضرایب بدست آمده به شرح زیر می باشد:

$$\text{INTERIM} = 2/189395 + 0/094425 * \text{DR} - 0/095183 * \text{SIZE} + 0/098198 * \text{LSHOW}$$

با ورود متغیر CDTE ضریب تعیین مدل در حالتی که متغیر وابسته INTERIM می باشد، برابر با ۰/۴۰۰۲ می باشد. یعنی ۴۰٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل نهایی قابل توضیح است.

با مقایسه ضریب تعیین در مدل ۵ تا ۸ نتیجه می گیریم که از بین این مدل ها، مدل هشتم از همه بهتر بوده و متغیرهای موجود در این مدل نسبت به سایر مدل ها، از قدرت بیشتری جهت بیان رابطه میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته برخوردار هستند. با نگاهی به مدل های نهایی ۵ تا ۸ نتیجه می گیریم که در تمامی این مدل ها تنها سه متغیر DR، SIZE و LSHOW از میان پنج متغیر ورودی، وارد مدل شده اند و با توجه به اینکه مدل ۸ را به عنوان مدل بهینه انتخاب کردیم و همچنین با توجه به ضریب تعیین این مدل که برابر با ۰/۴۰ است، پس می توان گفت که ۴۰٪ از تغییرات متغیر وابسته دوره ضمنی توسط متغیرهای DR، SIZE و LSHOW قابل توضیح می باشد.

جدول (۱۶): مدل متغیر وابسته TPERIOD با ورود متغیر CROA

ورودی	انحراف استاندارد	آماره t	معناداری	R^2
Constant	۰/۳۲۱۳۸۹	۲۳/۸۳۴۲۴	۰/۰	۰/۶۸۹
DR	۰/۰۴۵۷۴۹	۲/۱۰۲۰۸۹	۰/۰۳۵۹	
*CDTE	۰/۰۱۴۵۳۲	-۶/۱۵۴۵۹۱	۰/۰	
*SIZE	۰/۰۰۹۸۸۶	-۱۲/۳۶۷۶۰	۰/۰	
LSHOW	۰/۰۳۹۳۲۲	-۰/۱۱۹۱۹۴	۰/۹۰۵۲	
*NOLSH	۰/۰۲۳۲۰۹	۱/۷۶۱۸۰۰	۰/۰۷۰۶	

ماخذ: یافته های پژوهشگران

با توجه به جدول ۱۶ ملاحظه می شود که سطح معنی داری متغیرهای LSHOW و NOLSH بیشتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه ضریب این متغیرها برابر با صفر بوده و وارد مدل نمی شوند. مدل نهایی با توجه به ضرایب بدست آمده به شرح زیر می باشد:

$$TPERIOD = 7/660062 + 0/096169 *DR + 0/156689 *CROA - 0/122266 *SIZE$$

با ورود متغیر CROA ضریب تعیین مدل در حالتی که متغیر وابسته TPERIOD می باشد، برابر با ۰/۶۸۹۴ می باشد. یعنی ۶۸/۹۴٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل نهایی قابل توضیح است.

جدول (۱۷): مدل متغیر وابسته TPERIOD با ورود متغیر CROE

ورودی	انحراف استاندارد	آماره t	معناداری	R^2
Constant	۰/۳۱۰۹۱۵	۲۴/۷۸۰۱۰	۰/۰	۰/۶۸۶
DR	۰/۰۴۵۳۵۷	۲/۴۵۸۴۷۵	۰/۰۱۴۲	
*CDTE	۰/۰۰۰۳۷۸	۵/۴۴۰۳۳۶	۰/۰۰۲۵	
*SIZE	۰/۰۰۹۹۷۵	-۱۲/۳۳۴۴۴	۰/۰	
LSHOW	۰/۰۳۵۵۴۲	-۰/۳۲۷۲۴۴	۰/۷۴۳۶	
*NOLSH	۰/۰۲۲۹۷۲	۱/۸۲۰۱۶۲	۰/۰۶۹۲	

ماخذ: یافته های پژوهشگران

با توجه به جدول ۱۷ ملاحظه می‌شود که سطح معنی‌داری متغیرهای LSHOW و NOLSH بیشتر از ۰/۰۵ است، پس این متغیرها وارد مدل نمی‌شوند. مدل نهایی با توجه به ضرایب بدست آمده به شرح زیر می‌باشد:

$$TPERIOD = 7/704515 + 0/111509 * DR + 0/045210 * CROE - 0/123037 * SIZE$$

با ورود متغیر CROE ضریب تعیین مدل در حالتی که متغیر وابسته TPERIOD می‌باشد، برابر با ۰/۶۸۶۹ می‌باشد. یعنی ۶۸/۶۹٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل نهایی قابل توضیح است.

جدول (۱۸): مدل متغیر وابسته TPERIOD با ورود متغیر CDTA

ورودی	انحراف استاندارد	آماره t	معناداری	R^2
Constant	۰/۳۰۵۲۶۸	۲۴/۴۰۷۵۶	۰/۰	۰/۷۰۲
DR	۰/۰۴۴۳۲۱	۱/۴۷۸۹۷۰	۰/۱۳۹۶	
*CDTE	۰/۰۴۳۵۱۸	۶/۲۴۸۸۲۰	۰/۰	
*SIZE	۰/۰۰۹۵۴۲	-۱۱/۹۱۷۶۳	۰/۰	
LSHOW	۰/۰۳۵۹۶۴	-۰/۱۶۱۳۲۳	۰/۰۷۱۹	
*NOLSH	۰/۰۲۲۰۴۵	۲/۴۱۱۶۵۲	۰/۰۱۶۱	

ماخذ: یافته های پژوهشگران

با توجه به جدول ۱۸ ملاحظه می‌شود که سطح معنی‌داری متغیرهای DR و LSHOW بیشتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه ضریب این متغیرها برابر با صفر بوده و وارد مدل نمی‌شوند. مدل نهایی با توجه به ضرایب بدست آمده به شرح زیر می‌باشد:

$$TPERIOD = 7/450840 + 0/271936 * CDTA - 0/113717 * SIZE + 0/053165 * NOLSH$$

با ورود متغیر CDTA ضریب تعیین مدل در حالتی که متغیر وابسته TPERIOD می‌باشد، برابر با ۰/۷۰۲۴ می‌باشد. یعنی ۷۰/۲۴٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل نهایی قابل توضیح است.

جدول (۱۹): مدل متغیر وابسته TPERIOD با ورود متغیر CDTE

ورودی	انحراف استاندارد	آماره t	معناداری	R^2
Constant	۰/۳۱۳۳۹۴	۲۴/۴۰۵۹۰	۰/۰	۰/۶۹۱
DR	۰/۰۴۵۴۷۶	۱/۵۴۲۹۴۰	۰/۱۲۳	
*CDTE	۰/۰۱۱۷۸۴	۴/۳۴۲۴۴۹	۰/۰	
*SIZE	۰/۰۰۹۹۵۵	-۱۲/۰۷۷۲۴	۰/۰	
LSHOW	۰/۰۳۶۵۸۶	-۰/۲۸۵۳۱۲	۰/۷۷۵	
*NOLSH	۰/۰۲۲۸۵۱	۱/۹۸۳۷۸۲	۰/۰۴۷	

ماخذ: یافته های پژوهشگران

با توجه به جدول ۱۹ ملاحظه می شود که سطح معنی داری متغیرهای DR و LSHOW بیشتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه ضریب این متغیرها برابر با صفر بوده و وارد مدل نمی شوند. مدل نهایی با توجه به ضرایب بدست آمده به شرح زیر می باشد:

$$\text{TPERIOD} = 7/648662 + 0/051170 * \text{CDTE} - 0/120229 * \text{SIZE} + 0/045331 * \text{NOLSH}$$

با ورود متغیر CDTE ضریب تعیین مدل در حالتی که متغیر وابسته TPERIOD می باشد، برابر با ۰/۶۹۱۴ می باشد. یعنی ۶۹/۱۴٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل نهایی قابل توضیح است.

با مقایسه ضریب تعیین در مدل ۹ تا ۱۲ متوجه می شویم که از بین این مدل ها، مدل یازدهم از همه بهتر بوده و متغیرهای موجود در این مدل نسبت به سایر مدل ها، از قدرت بیشتری جهت بیان رابطه میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته برخوردار هستند. ضریب تعیین این مدل برابر با ۰/۷۰۲۴ است، پس می توان گفت که ۷۰٪ از تغییرات متغیر وابسته کل مدت زمان گزارشگری توسط متغیرهای CDTE، SIZE و NOLSH قابل توضیح می باشد. اما از آنجائی که در مدل ۹ و ۱۰ متغیر DR وارد مدل شده است پس نمی توان از تأثیر این متغیر (اهرم مالی) بر کل مدت زمان گزارشگری، چشم پوشی کرد. بنابراین می توان گفت که در کل حدود ۷۰٪ از تغییرات متغیر وابسته کل مدت زمان گزارشگری توسط متغیرهای DR، CDTE، SIZE و NOLSH قابل توضیح است.

AUDITLAG = 5/420139 - 0/031035 *SIZE - 0/069926 *LSHOW
 INTERIM = 2/189395 + 0/094425 *DR - 0/095183 *SIZE + 0/098198 *LSHOW
 TPERIOD = 7/450840 + 0/271936 *CDTA - 0/113717 *SIZE + 0/053165 *NOLSH

با توجه به اینکه در این پژوهش تأخیر در گزارشگری به سه دوره تقسیم شده است، مدل‌هایی فوق به عنوان مدل بهینه برای دوره امضاء حسابرس، دوره ضمنی و کل مدت زمان گزارشگری انتخاب شده اند.

۷- نتیجه گیری

در این پژوهش از سه دوره، دوره امضاء حسابرس (فاصله زمانی بین پایان سال مالی و تاریخی که حسابرسان گزارش حسابرسی را امضاء می‌کنند)، دوره ضمنی (فاصله زمانی بین تاریخی که حسابرسان گزارش حسابرسی را امضاء می‌کنند و تاریخی که صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده منتشر می‌گردد) و کل مدت زمان گزارشگری، جهت تخمین تأخیر در گزارشگری استفاده شده است. براساس نتایج بدست آمده از بررسی فرضیات اول، دوم و سوم که ارتباط بین اهرم مالی و تأخیر در گزارشگری را بیان می‌کند، می‌توان گفت که اهرم مالی بر تأخیر در گزارشگری تأثیر معناداری دارد. نتایج حاصل از بررسی این فرضیات حاکی از آن است که بین اهرم مالی و دوره امضاء حسابرس ارتباط معناداری وجود ندارد، اما اهرم مالی تأثیر معنادار و مثبتی بر دوره ضمنی و کل مدت زمان گزارشگری دارد. یعنی با افزایش اهرم مالی، فاصله زمانی بین تاریخی که حسابرسان گزارش حسابرسی را امضاء می‌کنند و تاریخی که صورت‌های مالی حسابرسی شده منتشر می‌شوند (دوره ضمنی) نیز افزایش می‌یابد. همچنین هرچه اهرم مالی بیشتر می‌شود، فاصله زمانی بین پایان سال مالی و تاریخی که صورت‌های مالی حسابرسی شده منتشر می‌شوند (کل مدت زمان گزارشگری) نیز بیشتر می‌شود، که این به معنی افزایش تأخیر در گزارشگری صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده می‌باشد.

فرضیات چهارم، پنجم و ششم این پژوهش، ارتباط بین سودآوری و تأخیر در گزارشگری را نشان می‌دهند. نتایج حاصل از بررسی این فرضیات نشان‌دهنده این است که سودآوری بر تأخیر در گزارشگری، مؤثر است. نتایج حاصل از فرضیه چهارم و پنجم بیانگر این است که بین تغییر در بازده دارایی‌ها و تغییر در بازده حقوق صاحبان سهام و دوره امضاء حسابرس و دوره ضمنی هیچ ارتباط معناداری وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت که بین سودآوری و دوره امضاء حسابرس و دوره ضمنی نیز ارتباط معناداری وجود ندارد. اما نتایج حاصل از بررسی فرضیه ششم بیانگر وجود رابطه میان سودآوری و کل مدت زمان گزارشگری می‌باشد. نتایج حاصل از بررسی این

فرضیه نشان می‌دهد که تغییر در بازده دارایی‌ها و تغییر در بازده حقوق صاحبان سهام تأثیر معنادار و مثبتی بر کل مدت زمان گزارشگری دارد. یعنی چنانچه تغییر در بازده دارایی‌ها و تغییر در بازده حقوق صاحبان سهام زیاد شود (افزایش سودآوری) فاصله زمانی بین پایان سال مالی و تاریخ انتشار صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده نیز طولانی‌تر می‌شود که این به معنی افزایش تأخیر در گزارشگری می‌باشد و بالعکس.

فرضیات هفتم، هشتم و نهم این پژوهش، ارتباط بین سود سهام نقدی و تأخیر در گزارشگری را نشان می‌دهند. نتایج حاصل از بررسی این فرضیات نشان‌دهنده این است که سود سهام نقدی بر تأخیر در گزارشگری، مؤثر است. در این تحقیق جهت اندازه‌گیری سود سهام نقدی از دو متغیر تغییر در نسبت سود سهام به کل دارایی‌ها (CDTA) و تغییر در نسبت سود سهام به حقوق صاحبان سهام (CDTE) استفاده شده است. نتایج حاصل از بررسی فرضیه هفتم و هشتم بیانگر این است که بین تغییر در نسبت سود سهام به کل دارایی‌ها و تغییر در نسبت سود سهام به حقوق صاحبان سهام و دوره امضاء حسابر و دوره ضمنی هیچ ارتباط معناداری وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت که بین سود سهام نقدی و دوره امضاء حسابر و دوره ضمنی نیز ارتباط معناداری وجود ندارد. اما نتایج حاصل از بررسی فرضیه نهم بیانگر وجود رابطه میان سود سهام نقدی و کل مدت زمان گزارشگری می‌باشد. نتایج حاصل از بررسی این فرضیه نشان می‌دهد که تغییر در نسبت سود سهام به کل دارایی‌ها و تغییر در نسبت سود سهام به حقوق صاحبان سهام دارای تأثیر معنادار و مثبتی بر کل مدت زمان گزارشگری می‌باشد. یعنی چنانچه تغییر در نسبت سود سهام به کل دارایی‌ها و تغییر در نسبت سود سهام به حقوق صاحبان سهام زیاد شود (افزایش سود سهام نقدی) فاصله زمانی بین پایان سال مالی و تاریخ انتشار صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده نیز طولانی‌تر می‌شود و بالعکس.

نتایج حاصل از بررسی فرضیات چهارم، پنجم، هفتم و هشتم حاکی از این است که بین وجود اخبار خوب و بد در شرکت و دوره امضاء حسابر و دوره ضمنی هیچ ارتباط معناداری وجود ندارد. اما وجود چنین اخباری در شرکت بر کل مدت زمان گزارشگری مؤثر است. از آنجایی که افزایش در سودآوری و افزایش در سود سهام نقدی به عنوان یک خبر خوب تلقی می‌شود، بنابراین چنین نتیجه می‌گیریم که با افزایش اخبار خوب در شرکت‌های مورد مطالعه کل مدت زمان گزارشگری نیز افزایش داشته است، بدین معنی که وجود اخبار خوب در شرکت باعث شده است که فاصله زمانی بین پایان سال مالی و تاریخی که صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده منتشر شده‌اند، افزایش یابد. می‌توان نتیجه‌گیری کرد که وجود اخبار خوب در شرکت گرایش به تأخیر در گزارشگری را افزایش داده است و بالعکس.

براساس نتایج بدست آمده از بررسی فرضیات دهم، یازدهم و دوازدهم که ارتباط بین اندازه شرکت و تأخیر در گزارشگری را بیان می‌کند، می‌توان گفت که اندازه شرکت بر دوره امضاء حسابرس، دوره ضمنی و کل مدت زمان گزارشگری تأثیر معنادار و منفی دارد.

فرضیه سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم، نتایج حاصل از ارتباط بین حاکمیت شرکتی و تأخیر در گزارشگری را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از بررسی فرضیه سیزدهم حاکی از وجود یک ارتباط معنادار و منفی بین درصد سهام در دست سهامدارانی که مالک پنج درصد سهام شرکت یا بیشتر هستند (LSHOW)، و دوره امضاء حسابرس می‌باشد اما بین تعداد این سهامداران (NOLSH) و دوره امضاء حسابرس ارتباطی یافت نشد. نتایج حاصل از بررسی فرضیه چهاردهم بیانگر وجود یک ارتباط معنادار و مثبت بین درصد سهام در دست سهامدارانی که مالک پنج درصد سهام شرکت یا بیشتر هستند (LSHOW)، و دوره ضمنی می‌باشد. اما بین تعداد این سهامداران (NOLSH) و دوره ضمنی ارتباط معناداری وجود ندارد. نتایج به دست آمده از بررسی فرضیه پانزدهم بیانگر وجود یک ارتباط معنادار و مثبت بین تعداد سهام در دست سهامدارانی که مالک پنج درصد سهام شرکت یا بیشتر هستند (NOLSH)، و کل مدت زمان گزارشگری می‌باشد و هیچ رابطه معناداری بین درصد سهام موجود در دست این سهامداران (LSHOW) و کل مدت زمان گزارشگری وجود ندارد.

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش اندازه شرکت و درصد سهام در دست سهامدارانی که مالک پنج درصد سهام شرکت یا بیشتر هستند، تأخیر در دوره امضاء حسابرس کاهش می‌یابد. سایر متغیرها تأثیری بر دوره امضاء حسابرس نداشته‌اند. همچنین با افزایش اهرم مالی و افزایش درصد سهام در دست سهامدارانی که مالک پنج درصد سهام شرکت یا بیشتر هستند، دوره ضمنی نیز افزایش می‌یابد. ولی در شرکت‌های بزرگ دوره ضمنی کوتاه‌تر است. سایر متغیرهای مورد بررسی تأثیری بر دوره ضمنی نداشته‌اند. بر اساس نتایج بدست آمده، شرکت‌هایی که نسبت بدهی (اهرم مالی) بیشتری دارند، مدت زمان گزارشگری طولانی‌تری خواهند داشت. این نتیجه با نتایج حاصل از برخی پژوهش‌ها مانند پژوهش آذرین و احمد (۲۰۰۳) و الاجمی (۲۰۰۸)، مطابقت دارد. اما با یافته‌های برخی از پژوهش‌های دیگر مغایرت دارد. نتایج حاصل از پژوهش‌های کارسلا و کاپلان (۱۹۹۱)، عبدالله (۱۹۹۶)، کانور و زاکمری (۲۰۰۷) مبین وجود یک ارتباط معنادار و منفی، بین اهرم مالی و تأخیر در گزارشگری می‌باشد. پژوهش‌های انجام شده توسط لونتیس و همکارانش (۲۰۰۵) عدم وجود رابطه میان اهرم مالی و تأخیر در گزارشگری را نشان می‌دهد. همچنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که وجود اخبار خوب در شرکت گرایش به تأخیر در گزارشگری را افزایش داده است و بالعکس. این نتیجه با نتایج حاصل از برخی پژوهش

های مانند پژوهش باسو (۱۹۹۷)، گیگلر و هیمر (۲۰۰۱) و جیندریچوسکا و مکلی (۲۰۰۵) مطابقت دارد. از طرفی با نتایج برخی دیگر از تحقیقات مانند تحقیق بامبر و همکارانش (۱۹۹۳)، عبدالله (۱۹۹۶)، ها (۲۰۰۰)، ایسمال و چندلر (۲۰۰۴) مغایرت دارد و شرکت‌هایی که تعداد سهامداران عمده آنها بیشتر است، نیز تأخیر بیشتری در انتشار صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده دارند. اما این فاصله زمانی در شرکت‌های بزرگ، کمتر می‌باشد. این نتیجه با یافته‌های حاصل از برخی پژوهش‌ها مانند کارسلا و کاپلان (۱۹۹۱)، فرست و پونال (۱۹۹۴)، عبدالله (۱۹۹۶)، و الاجمی (۲۰۰۸) مطابقت دارد. اما بابت نتایج حاصل از برخی تحقیقات دیگر مغایرت دارد. گیولی و پالمن (۱۹۸۲)، هندرسون و کاپلان (۲۰۰۰) و پاین و جنسن (۲۰۰۲) به وجود یک ارتباط مثبت میان اندازه شرکت و مدت زمان گزارشگری اشاره می‌کنند.

۸- پیشنهادات پژوهش

با توجه به نتایج بیان شده، به نظر می‌رسد دقت نظر و اعمال کنترل‌های اضافی بر شرکت‌هایی که دارای سرعت گزارشگری پایینی هستند، دارای اهمیت است. بنابراین، مسؤولان بازار سرمایه باید با وضع قوانین و مقررات سخت‌گیرانه‌تری در جهت بهبود بموقع بودن گزارش‌های مالی گام بردارند.

علاوه بر این به نظر می‌رسد پژوهش‌های آتی می‌توانند متغیرهای دیگری علاوه بر متغیرهای بررسی شده در این پژوهش مانند حق الزحمه‌های حساب‌رسان، سطح مهارت کارکنان، دوره‌ی تصدی مدیران و حساب‌رسان را مورد بررسی قرار دهند. همچنین پژوهش‌های آتی باید وضعیت بازار سرمایه را در دوره‌ی زمانی بین ارائه‌ی گزارش و واکنش بازار به آن را مورد ارزیابی قرار دهند. بعلاوه بررسی رابطه میان ویژگی‌های حاکمیت شرکتی مانند استقلال هیئت مدیره، نوع سهامداران، آموزش و سن مدیران و تأخیر در گزارشگری مالی نیز می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

همچنین مطالعات آینده می‌توانند مصاحبه با اعضای کمیته حسابرسی را برای کمک جهت به دست آوردن درک عمیق‌تری در مورد اثربخشی کمیته حسابرسی در جلسه تاریخ موقع ارسال استفاده کند. توجه به نحوه حمایت مدیریت از کمیته حسابرسی در امر تهیه اطلاعات مربوط و قابل اعتماد و تأثیر آن بر به موقع بودن حسابرسی و جلوگیری از تأخیر می‌تواند موضوع خوبی برای بررسی باشد.

۹- محدودیت های پژوهش

به نظر می رسد عوامل مختلفی بر به موقع بودن گزارشگری مالی موثرند که در این پژوهش فقط متغیرهای معدودی مورد بررسی قرار گرفته اند. بنابراین ممکن است متغیرهای دیگری که تاثیر زیادی بر روی به موقع بودن گزارشگری مالی دارند مورد بررسی قرار نگرفته باشد. علاوه بر این محدودیت دیگری که ممکن است نتایج حاصل از پژوهش را تحت تاثیر قرار دهد شامل اندازه ی کوچک شرکت ها می باشد.

منابع

- ۱- آقایی، محمدعلی، ثقفی، علی، تقی نتاج، غلامحسین، اسدینیا، جهانبخش (۱۳۹۱)؛ "تأثیر اعلان سود فصلی شرکت ها بر تأمین نیاز اطلاعاتی ذینفعان"، **فصلنامه حسابداری مالی**، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۳۹ - ۱.
- ۲- حاجیها، زهری، احمدی، مهدیه (۱۳۹۲)؛ "ارائه ی به موقع صورت های مالی میان دوره ای: بررسی تاثیر عملکرد مالی و اقتصادی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **فصلنامه حسابداری مالی**، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۱۷۲ - ۱۴۹.
- ۳- خدامرادی، سعید، شیخ، محمد جواد، ابریشمی، موحد، مهدی (۱۳۹۲)؛ "بررسی عوامل موثر بر تاخیر گزارشگری مالی میان دوره های (مطالعه تجربی: بورس اوراق بهادار تهران)"، **مجله پژوهشهای تجربی حسابداری**، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۸۸ - ۷۱.
- ۴- رهنمای رودپشتی، فریدون، نیکومرام، هاشم، شاهوردیانی، شادی (۱۳۸۵)؛ **مدیریت مالی راهبردی (ارزش آفرینی)**، تهران: انتشارات ترمه، چاپ اول.
- ۵- ستایش، محمد حسین، رضایی، غلام رضا، زیاری، سارا، کاظم نژاد، فاطمه (۱۳۹۲)؛ "بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات مالی و محدودیت در تأمین مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **فصلنامه حسابداری مالی**، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۴۵ - ۲۱.

- ۶- مرادی، مهدی، پورحسینی، سیدمهدی (۱۳۸۸)؛ "بررسی رابطه بین برخی ویژگی‌های مالی و غیر مالی و مدت زمان اجرا و تکمیل عملیات حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، *مجله تحقیقات حسابداری*، شماره اول، صص ۱۸۵-۱۶۸.
- ۷- معیری، منوچهر (۱۳۸۶)؛ *عوامل مؤثر بر به موقع بودن گزارش حسابرسی*، دانشگاه تهران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد.
- ۸- مهرانی، ساسان، تالانه، عبدالرضا (۱۳۷۷)؛ "تقسیم سود شرکت‌ها"، *مجله حسابداری*، شماره ۱۲۵، ص ۹.
- ۹- یارمحمدی، اکرم (۱۳۸۰)؛ *بررسی عوامل مؤثر بر گزارشگری میان دوره‌ای به موقع در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران*، دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حسابداری.

- 10- Abdelsalam, O. & Street, D. (2007). "Corporate governance and the timeliness of corporate internet reporting by U.K. listed companies", *Journal of International Accounting, Auditing & Taxation*, 16, 111-130.
- 11- Abdulla, J. Y. A. (1996). "The timeliness of Bahrain annual reports", *Advances in International Accounting*, 9, 73-88.
- 12- Adzrin, R. & Ahmad, R. (2003). "Audit delay and timeliness of corporate reporting Malaysian evidence", *University of Technology, Malaysian*.
- 13- Ahsan, H. & Borhan Uddin Bhuiyan, Md. (2011). "Audit firm industry specialization and the audit report lag", *Journal of International Accounting, Audit and Taxation*, 20 (1), 33-44.
- 14- Al-Ajmi, J. (2008). "Audit and reporting delays: Evidence from an emerging market", *Department of Economics and Finance, University of Bahrain, Advances in Accounting, Incorporating Advances in International Accounting*, 217-226.
- 15- Ashton, R.H. & Graul, P.R. & Newton, J.D. (1989). "Audit Delay and Timeliness of Corporate Reporting", *Contemporary Accounting Research*, 5 (2), 657-673.
- 16- Bamber, E. M. & Bamber, L. S. & Schoderbek, M. P. (1993). "Audit structure and other determinants of audit report lag: an empirical analysis", *Auditing : A Journal of Practice and Theory*, 12, 1-23.

- 17-Basu, S. (1977). "**The conservatism principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings**", Journal of Accounting and Economies, 24, 3-37.
- 18- Beaver, W.H. (1968). "**The Information Content of Annual Earnings Announcements, Empirical Research in Accounting: Selected Studies**", 67-92. Available at: <http://www.jstor.org/stable/2490070?seq=1>
- 19- Betzer, A. & Theissen, E. (2010). "**Sooner or later: An Analysis of Delays in Insider Trading Reporting**", Journal of Business Financial and Accounting, 37(1) & (2), 130-147.
- 20-Blanchet, J. (2002). "**Global standards offer opportunity**", Financial Executive, 18, 28-30.
- 21- Carslaw, A. P. N. & Kaplan, S. E. (1991). "**An examination of audit delay: Further evidence from New Zealand**", Accounting and Business Research, 22, 21-32.
- 22- Clatworthy, M. & Peel, M. (2010). "**Does Corporate Governance Influence the Timeliness of Financial Reporting? Evidence from UK Private Companies**", Accounting and management control department research seminar.
- 23- Conover, c. & Miller, R. & Szakmary, A. (2007). "**The Timeliness of accounting disclosures in international security markets**", International Review of Financial Analysis, Article in press.
- 24- Cullinan, C. P. & Wang, F. & Yang, B. & Zhang, J. (2012). "**Audit opinion improvement and the timing of disclosure**", Advances in Accounting, 28(12), 333-343. <http://dx.doi.org/10.1016/j.adiaac.2012.09.010>
- 25- Frost, C. A. & Pownall G. (1994). "**Accounting disclosure practice in the United State and the United Kingdom**", Journal of Accounting Research, 32, (1), 75- 85.
- 26- Gigler, F. B. & Hemmer, T. (2001). "**Conservatism, Optimal Disclosure Policy, and the Timeliness of Financial Reporting**", Accounting Review, 76 (4), 471-493.
- 27- Givoly, D. & Palman, D. (1982). "**Timeliness of annual earnings announcements: Some empirical evidence**", Accounting Review, 57, 486-508.
- 28- Haw, I. (2000). "**Timeliness of annual report releases and market reaction to earnings announcements in an emerging capital market: The case of china**", Journal of International Financial Management and Accounting, 11, 108-131.

- 29- Henderson, B. C. & Kaplan, S. E. (2000). " **An Examination of Audit reporting lag for Banks: A panel Data Approach?**", A Journal of Practice and Theory, 19 (2).
- 30- Ismail, K. N. & Chandler, R. (2004). "**The timeliness of quarterly financial reports of companies in Malaysia**", Asian Review of Accounting, 12, 1-18.
- 31- Iszmi, I. & Ahmad Subhi, M. S. & Azwan, A. R. (2010). "**The effect of company ownership on the timeliness of financial perorying: Empirical evidence from Malaysia**", Unitar- Journal, 6 (2), 20-35.
- 32- Jindrichovska, I. & Mcleay, S. (2005). "**Accounting for God News and Accenting for Bad News: some Empirical Evidence from the Czech Republic**", European Accounting Review, 14(3), 635-655.
- 33- Kirk, D. L. & Block, F. E. & March, J. W. & Morgan, R. A. & Mosso, D. & Sprouse, R. T. & Walters, R. E. (1980). "**Statement of Financial Accounting concepts No. 2: Qualitative characteristics of Accounting Information**", Journal of Accounting, 150 (2), 105-120.
- 34- Kulzick, R. S. (2004). "**Sarbanes-Oxley: Effects on financial transparency**", Advanced Management Journal, 69, 43-49.
- 35- Lara, J.M.G. & Osam, B.G. & Penalva, F. (2009). "**Accounting Conservatism and Corporate Governance**", Review of Accounting Studies, 14, 191-201.
- 36-Leventis, S. & Weetman, P. & Caramanis, C. (2005). "**Determinants of Audit report lag: some evidence from the Athens Stock Exchange**", International Journal of Auditing, 45-58.
- 37- Mustafa M. & Shwiyat, A. (2013). " **Affecting factors on the timing of the issuance of annual financial reports: empirical study on the Jordanian public shareholding companies**", European Scientific Journal August 2013 edition, 9 (22), 407 – 423.
- 38-Payne, J. L. & Jenson, K. L. (2002). "**An Examination of municipal audit delay**", Journal of Accounting and Public Policy, 21, 1-29.
- 39- Philip, B. Alex. & Janice, C. Y. (2002), "**Analysts dividend for casts**", Pacific basin finance journal, 10, 370-391.
- 40- Pili, A. (2007). "**The Adoption of a comprehensive Income statement in Italy: Has the time of a New Disclosure com?**", Working paper, University of Cagliari.
- 41- Pourali, M. & Jozi, M. & Rostami, K. & Taherpour, Gh. & Niaz, F. (2013). "**Investigation of Effective Factors in Audit Delay: Evidence from Tehran Stock Exchange (TSE)**", Research Journal of Applied Sciences, Engineering and Technology 5(2), 405-410.
- 42- Prickett, R. (2002). "**Sweet clarity**", Financial management, 18-20.

-
- 43- Roychowdhury, S. & Sletten, E. (2012). "**Voluntary Disclosure Incentives and Earnings Informativeness**", The Accounting Review, 87(5), 1679-1708, <http://dx.doi.org/10.2308/accr- 50189>
- 44- Schroeder, Richard, G.& Clark, Myrtle, W. & Jack, M. Cathey. (2008). "**Financial Accounting Theory and Analysis: Text and Cases**", 9th Edition, John Wiley & Sons.
- 45- Soltani, B. (2002). "**Timeliness of corporate and Audit Reporting: some Empirical Evidence in the French Context**", The International Journal of Accounting, 3, 215-246.
- 46- Wermert, J. G. & Dodd, J. L.& Doucet, T. A. (1997). "**An Empirical Examination of Audit Reporting lag using client and cycle firm cycle times**".